

همه مبالغی را که بدهکار سابقاً بر داشته است تمام فرخ یا نه نامهای دیگر و غیر معقول بنظر آید باید بحساب گذارده شود و نیز هر ونیفه یا گروی و رهینه که سابقاً نزد بستانکار سپرده بوده و آنرا بابت این قبیل فروغ غیر منصفانه محسوب داشته و بملکیت خود برده است باید اصل یا بهای آنرا مسترد دارد و خلاصه آنکه دادگاه این قبیل فروغ هنگفت را تماماً یا قسمتی هر نوع مقتضی بداند و با وضعیت بستانکار و فداکاری مالی او که ممکن است پولش را به خطر افکنده با اعتبار متزلزل بدهکار با و وام داده است متناسب بشناسد از طلب بستانکار وضع و بنفع بدهکار محسوب میدارد « این قانون و مقررات آن باز هم از عهده مطامع و اجحافات سود خواران بر نیامد بعضی از دادگاههای انگلیس تفسیراتی از آن نمودند که مقصود اصلی قانون گزار طی آنها نبود گشت و مسئله را کشانیدند بر سر این نکته حقوقی که بعد از آنکه معلوم شد در معامله سهو و اشتباه یا جبر و تحدید یا تقلب و فریبی وجود نداشته

و بدهکار برضا و رغبت پرداخت فلان مبلغ را بابت تنزیل و تقبل نموده است دادرس باید همان مبلغ را معقول و منصفانه بشناسد. بالجمله بنا بر ادعای بدهکاران و کسانی که از هنگفتی تنزیل شکایت داشتند تشریحات طبقه سود خوار مانع بود از اینکه قوانین سال (۱۹۰۰) و (۱۹۱۱) خوبی و بنفع عامه تفسیر شود تا آنکه سال (۱۹۲۷) طرح جدیدی بتصویب مجلس عوام انگلستان رسید که طی آن بطور صریح حداکثر منافع و مصارف دیگر و انواع فروغ را معین نمودند و هر چند این تعیین حد اکثر نیز نسبت باندازه فرع معمولی که دولت در بانگهای خود مقرر داشته چندین برابر زیاد است با این احوال نااندازه‌نی از اجحافات فوق العاده تر که سال ۱۹۲۷ معمول بود مانع آمد - در طرح نامبرده مقرر شده است که حداکثر فرع (۴۸) درصد است سالیانه و آنچه بیش از چهل و هشت درصد باشد نامعقول شناخته میشود.

رحیمزاده صفوی

آیا حبس در دارالتأدیب قابل خریداری است ؟

بموجب ماده واحده مصوبه اردی بهشت ماه ۱۳۰۷ حبس در امور خلافی مطلقاً و همچنین حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد قابل تبدیل به جزای نقدی است .
در قسمت اول ماده عنوان اینکه « حبس در امور خلافی مطلقاً قابل تبدیل به جزای نقدی است » سخنی نداشته و در اطراف آن نمیخواهد اظهاری کند ولی در قسمت اخیر « حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد »

موضوع قابل تأمل و بحث میباشد .

مقدمه این نکته را یاد آور میشود که در قوانین مجازاتی ما مواد مجازاتی موجود است که عنوان حبس و مجازات تعیین شد، معلوم نیست داخل در کدام يك از طبقات جرائم میباشد مثل قانون جزای ۱۳۰۲ راجع بتملك مال غیر .

« ماده يك - اگر کسی اقرار نمود و یا محقق شد که مال شخص ثالثی را بدون مجوز

از انحاء عیناً و یا منفعة نقل بغیر نموده و تصرف او داده است توقیف و حبس خواهد شد تا اینکه عین و یا عوض مال و همچنین خسارات وارده بمالك و مشتری را رد نماید» .

« ماده ۲ - اگر کسی اقرار نمود و یا، تحقق شد »
 « که مال ثالثی را با علم بمستحق للغير بودن آن بدون »
 « مجوز قانونی بنحوی از انحاء تملك کرده و تصرف »
 « خود در آورده است توقیف و حبس خواهد شد تا عین یا »
 « عوض آنرا با خسارات وارده بمالك رد نماید »
 « ماده ۳ - در مورد دو ماده فوق مزبور جزائاً »
 « تعقیب و مجازاتی که کمتر از یکسال حبس و یا کمتر »
 « از ۷۰ تازیانه باشد محکوم خواهد شد »

که معلوم نیست حبس تادیبی یا غیر تادیبی است و ذکر تازیانه برای چه وجه باید کرد؟ با قانون اوزان و مقیاس‌ها که در ماده ۴ آن برای هر کاسب و بازرگانی که دارای اوزان و مقیاس‌های قلب باشد یا با اوزان و مقیاس‌های تقلبی داد و ستد کند حبس تادیبی از یکروز تا ۱۵ روز تعیین شده بطور کلی در امور خلافی پیش از يك هفته نمیتوان حبس تعیین کرد و محرز است که حبس تا یکم هفته حبس تکدیری است و سایر حبس‌هایی که برای امور جنحه و جنایت پیش بینی شده حبس با اعمال شاقه - حبس مجرد - حبس تادیبی و حبس در دارالتادیب میباشد که میزان هر يك از آنها متفاوت و از ۸ روز حبس تادیبی شروع و بحسب ابد با اعمال شاقه ختم میشود .
 با مراجعه بمواد مربوط بهر يك از حبس‌های نامبرده و مواد ۴۴ و ۴۵ قانون کیفر همگانی آنچه مسلم است مجوزی نیست که حبس با اعمال شاقه و حبس مجرد را بتوان دو ماه یا کمتر تعیین کرد بلکه فقط حبس تادیبی و حبس در دارالتادیب است که برای تعیین دو ماه یا کمتر راه را باز گذاشته اند .

حبس تادیبی و حبس در دارالتادیب را میتوان دو

ماه یا کمتر تعیین کرد ولی هر دو را نمیتوان تبدیل بجزای نقدی نمود . فقط حبس تادیبی را در صورتی که دو ماه یا کمتر باشد می توان تبدیل بجزای نقدی نمود

اغلب تصور میکنند که حبس در دارالتادیب قابل تبدیل بجزای نقدی است . با این نظر بنده مخالف بوده و معتقدم که تبدیل حبس در دارالتادیب بجزای نقدی برخلاف منظور قانونگذار میباشد

مجموعه حقوقی (شماره ۳۴) راهم مطالعه کنیم میبینیم که تصمیم دیوان کشور قانع کننده نمی باشد چه آنکه در دادنامه استدلال دادستان استان ذکر و دلایل رد آن نیز تذکر داده نشده و نوشتن : «اعتراض مدعی العموم استیفاء که حبس در دارالتادیب قابل ایتماع نمی باشد بطوریکه در حکم ممیز عنه استدلال کرده و ادنیست و از ملاحظه سایر مندرجات پرونده و حکم نیز ایرادی که موجب نقض باشد بنظر نمیرسد بنا بر این حکم مورد استدعای ممیز ابرام میشود . . . برای رفع اختلاف کافی نموده است .

اصولاً واضح است که تادیب قابل خرید و فروش نبوده و حبس در دارالتادیب را نمیتوان تبدیل بجزای نقدی نمود . چه بطوریکه مقررات وزارت فرهنگ حاکی است بدبیران اجازه تادیب دانش آموزان تا حدی داده شده و در زیر ماده ۱۹۳ قانون کیفر همگانی هم در قسمت توقیف و حبس غیر قانونی که تصریح شده (اولیای قانونی اطفال از قبیل پدر نسبت باولاد، ولی نسبت بهجنون و قیم نسبت بصغیر و معلم نسبت بشاگردان از مفاد این ماده مستثنی میباشند مشروط بر اینکه اقدام اولیاء از حد تادیب و اقدام معلمین از حدود وظائف رسمیه مربوط بمدارس تجاوز ننمایند» . ملاحظه میشود باولیای اطفال و یا سرپرستان اجازه تادیب داده شده است . همچنین تادیب اطفال و مجانین و دانش آموزان بوسیله اولیاء

قانونی و دبیران اجازه داده شده و بلکه جزء وظائف آنها محسوب داشته اند و در صورتیکه بوظائف خود عمل نکنند قابل سرزنش و ملامت خواهند بود.

نتیجه تادیب نکردن آنها این است که بضرر اطفال منتهی و چون از تادیب جلوگیری شود نباید امیدوار بود که در آتیه اینگونه اطفال از افراد خوب جامعه باشند و بهمین نحو در مورد دانش آموزان عدم تادیب و تربیت آنها باعث خواهد شد که نتوان بآتیه آنها امیدوار شد و طبیعتاً در کارهای تحصیلی و سایر وظائف خود خودرو بار خواهند آمد و پس از آنکه وارد جامعه شوند شخصی فهیم و دارای اخلاق نکوهیده نخواهند بود.

بموجب ماده ۳۴ قانون کیفر همگانی اطفال غیر همیز را نمیتوان جزائاً محکوم نمود. در امور جزائی هر طفلی که دوازده سال تمام نداشته باشد حکم غیر همیز را دارد.

در صورتیکه اطفال غیر همیز مرتکب بزه شوند باید با اولیای خود تسلیم گردند با الزام بتادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق آنها.

صرف نظر از آنکه در این ماده ذکر نشده اگر اولیاء اطفال خود را ملزم بتادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق نکنند چه معامله با آنها میشود و صرف نظر از اینکه در عمل نیز اجرای این ماده دچار اشکال شده و ضمانت اجرای آن معلوم نیست بموجب همین ماده اولیای اطفال را ملزم نموده اند که بتادیب و تربیت بکوشند و بلکه مواظبت اطفال را بنمایند آیا پدر میتواند این حق را بدیگری واگذار و در مقابل پول بدهد؟

آیا صفیری میتواند بقیم خود و عده دهد که در مقابل هدم تادیب و جوی باو خواهد داد؟

با آنکه توجه باین مطالب میرسیم که تادیب قابل خرید و فروش نیست چه در غیر اینصورت نباید اصلاح

جامعه را انتظار داشت

طبق ماده ۳۵ قانون کیفر همگانی اگر اطفال غیر بالغ که بسن ۱۵ سال تمام نرسیده اند مرتکب جنحه یا جنایت شوند فقط بده الی ۵۰ ضرب شلاق محکوم میشوند.

هنگامیکه بقانون مراجعه میگردیم ماده ۳۷ توجه مرا جلب کرد چون مقصود اصلاح قانون است به موقع ندانسته ایرادی را که بنظر رسیده در اینجا تذکر دهم. در ماده ۳۷ اجازه داده شده اشخاصیکه سن آنها بیش از ۱۵ سال تمام بوده و بده ۱۸ سال تمام نرسیده اند اگر مرتکب جنایت شوند در دادگاه جنحه محاکمه شوند ولی برای اشخاصی که بسن ۱۵ سال تمام نرسیده و بموجب ماده ۳۵ باید مجازات شوند تعیین دادگاه نشده و معلوم نیست اگر مرتکب جنایت شوند کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی را دارد و چون تعیین مجازات میشود باید دادگاه مربوط تعیین و تصریح شود.

بعد از الزام اولیای اطفال بمحض آنکه سن از ۱۲ تجاوز کند برای تادیب اطفال شلاق را ضروری دانسته اند. قازلی که سنش از ۱۲ سال تجاوز کرده بیانزده سال نرسد باوقانوناً شلاق میزنند.

آیا چنین شخصی میتواند مجازات خود را بخرد؟

همانطور که مجازات مزبور قابل تعلیق نیست تبدیل شلاق به جزای نقدی نیز غیر ممکن است. قانونگذاران مقتضی دانسته اند طفلی که در این سن مرتکب گناه شود بوسیله شلاق او را تادیب نمایند تا در آتیه عمل خود را تکرار نکرده و کرد اعمال ناشایست و خلاف قانون نکرده.

برای چه در ماده ۳۶ قانون کیفر پیش بینی شده اشخاص بالغ را که سن آنها بیش از ۱۵ سال تمام بوده و بده ۱۸ سال تمام نرسیده اند اگر مرتکب جنایت شوند بحبس

مجازات معاول است و باتفاق آراء نقض میشود.))

صدور دادنامه بالا نظر اینجانب را که کیفر اشخاصی که بین ۱۵ و ۱۸ سال دارند فقط حبس در دارالتادیب است تایید میکند. اگر غرامت رانیز در نظر بگیرد پس باید حبس در دارالتادیب را قابل تبدیل بجزای نقدی بدانند و همانطور که ذکر شد برای تادیب این اشخاص حبس در دارالتادیب را ضروری دانسته و میبایست طبق قانون مجازات شوند اگر در دیوان کشور معتقد باشند که حبس در دارالتادیب قابل تبدیل بجزای نقدی است باید این عقیده رانیز دارا باشند که علاوه بر حبس در دارالتادیب پرداخت غرامت بی اشکالست.

بنابجهاست بالا بعقیده اینجانب حبس در دارالتادیب قابل تبدیل بجزای نقدی نیست و اگر کسی بحبس در دارالتادیب محکوم شود باید بدارالتادیب تسلیم و همان طور که محکوم بشلاق را باشلاق تادیب میکنند او را هم میبایست بوسیله حبس در دارالتادیب تادیب نمایند.

باقر نیک انجام

در دارالتادیب محکوم کنند؟ برای این بوده است که ادب شوند بدین معنی که در دارالتادیب آنها را تادیب نموده بجامعه تحویل دهند تا من بعد در رفتار خود مواظبت نموده و مرتکب خبط و خطائی نشوند.

کسی با تمام تخریب مال دیگری مورد تعقیب واقع و از لحاظ اینکه حین ارتکاب کمتر از ۱۸ سال داشته به استناد مواد ۲۵۷ و ۳۶ قانون کیفر همگانی بسه ماه حبس در دارالتادیب و پرداخت صد ریال غرامت محکوم میگردد بعداً دیوان کشور بموجب دادنامه شماره (۱۰۱۴۲ - ۲۵۰۳ - ۱۱-۱۳۱۶) چنین رای داده است

((بحکم مزبور در قسمت تعیین مجازات متهم که سن مشارالیه در حین ارتکاب جرم متناسب کمتر از ۱۸ سال تشخیص شده بتادیب یکصد ریال غرامت علاوه بر ۳ ماه حبس در دارالتادیب ایرادی متوجه میباشد چه آنکه مستفاد از ماده ۳۶ قانون مجازات اینست که مجازات اشخاص غیر بالغه ۱۸ سال در موارد ارتکاب جرم حبس در دارالتادیب است و غیر از حبس مجازات دیگری برای آنها نمیتوان قائل شد بنابراین حکم مزبور از حیث تعیین